



## شرحی بر اشیاء تاریخی به دست آمده از حفاری های غیرمجاز و کشفیات اتفاقی دو سده اخیر (از دوره قاجار تا پهلوی دوم) در مازندران، بر پایه اسناد مکتوب و روایت های عامیانه

<sup>I</sup> مهدی خلیلی

<sup>II</sup> ایرج رضایی

(صص: ۱۸۲ - ۱۶۵)  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۷  
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.3.10.165

### چکیده

کرانه های جنوبی دریای مازندران به لحاظ برخورداری از محیطی مناسب، همواره در طول سده ها و هزاره ها مورد توجه انسان ها و استقرارهای انسانی بوده است. تاکنون در نتیجه کاوش های باستان شناسی و نیز حفاری های غیرمجاز، بخشی از آثار مادی مرتبط با استقرارهای باستانی در این ناحیه یافت شده است. جزئیات و چگونگی کشف بسیاری از آثار تاریخی به دست آمده از کاوش های غیرمجاز یا کشفیات اتفاقی هنوز به روشنی مشخص نیست. این اشیاء که عموماً به صورت مجموعه ای پدیدار شده اند، غالباً شناسنامه نامشخص و سرنوشت نامعلومی دارند. این در حالی است که برخی از اشیاء مازندران که در طول دهه ها و سده های اخیر به دست آمده، منحصر به فرد بوده و نظیر آن ها تاکنون در جای دیگری یافت نشده است. برخی از پرسش هایی که این پژوهش در صدد دستیابی به پاسخی برای آن هاست بدین شرح است: ۱. اهمیت آثار تاریخی مازندران که از کشفیات اتفاقی یا حفاریات غیرمجاز دو سده اخیر کشف شده، از لحاظ کمی و کیفی چگونه است؟ ۲. منابع بررسی آثار تاریخی حاصل از کشفیات اتفاقی مازندران کدام اند؟ در این پژوهش با بهره گیری از منابع تاریخی مربوط به مازندران از قبیل کتاب های تاریخی، روزنامه ها، جراید، سفرنامه ها و روایات عامیانه به بررسی آن دسته از آثار تاریخی این منطقه خواهیم پرداخت که از کاوش های باستان شناسی به دست نیامده اند، بلکه در نتیجه کشفیات اتفاقی یا حفاریات غیرمجاز دو سده اخیر کشف شده و در حال حاضر شماری از آن ها در موزه های مختلف ایران و جهان قرار دارند. نتیجه این بررسی نشان می دهد که چگونگی کشف و اهمیت و جایگاه هنری و تاریخی شماری از این آثار نیازمند توجه و تأمل بیشتری است.

**کلیدواژگان:** مازندران، اشیاء باستانی، دوره قاجار و پهلوی، حفاری های غیرمجاز، کشفیات اتفاقی.

## مقدمه

توجه ایرانیان به آثار باستانی، در آغاز از حد یک تفنن زودگذر و موقت که عموماً با انهدام و ویرانی این آثار نیز همراه بود، تجاوز نمی‌کرد (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۶۵: ۱۳۴). گنج‌یابی، عتیقه‌خری، عتیقه‌فروشی و عتیقه‌بازی در میان ایرانیان، دست‌کم از دوره قاجار رایج بوده است (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۶۶: ۵۸). رواج گنج‌یابی در دوره قاجار چنان بود که نام محل‌های خاک‌برداری شده برای یافتن گنج و آثار باستانی را به گنج‌آباد، گنج‌تپه یا گنج‌دره تغییر می‌دادند (همان: ۵۹). در زمان ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق.) امتیازهای پراکنده‌ای برای عملیات حفاری در برخی محوطه‌های تاریخی ایران به دولت‌های مختلف داده شد. در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ ه.ق.) با صدور یک قرارداد رسمی، عملاً و رسماً سرنوشت آثار باستانی ایران به مدت شصت سال در اختیار دولت فرانسه قرار گرفت، اما این قرارداد در ۲۵ مهرماه سال ۱۳۰۶ ه.ش. یعنی ۲۷ سال پس از انعقاد، با پیگیری برخی از روشنفکران عصر پهلوی اول لغو شد؛ در حالی که در آن سه دهه و پیش‌تر از آن، بسیاری از آثار تاریخی ایران تخریب شده و به کشورهای اروپایی و دیگر نقاط جهان انتقال یافته بود. فقر فرهنگی و اقتصادی عصر قاجار و پهلوی اول در کنار کم‌توجهی دولت، از دلایل عمده سودجویی از آثار تاریخی در سراسر ایران و ناحیه مازندران بود.

در کتاب‌های تاریخی مازندران، در میانه قرون اسلامی و حتی در آثار شاعران قدیم به مواردی از کشف آثار تاریخی گذشتگان، که برخی از آن‌ها جنبه داستانی و افسانه‌ای به خود گرفته‌اند اشاره شده است؛ برای مثال، در کتاب تاریخ طبرستان<sup>۱</sup>، به حفاری «حسام‌الدوله اردشیر»<sup>۲</sup> در آمل و کشف اسکلت یک زن اشاره شده و آمده است: «خاک‌شویان دو نیزه بالای آن زمین فرو رفته بودند<sup>۳</sup> و عمارت بسیار ظاهر شده و دخمه و گور با دید آمد» (ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۷۱)؛ «نوروززاده چگینی» آثار یافت‌شده مذکور را با شهر ساسانی آمل مرتبط دانسته است (نوروززاده چگینی، ۱۳۶۶: ۴۶). «مرعشیان» دارایی خاندان‌های شکست‌خورده و اموال مردم را تصرف کرده، بخشی را زیر خاک و بخش دیگر را در قلعه ماهانه سرپنهان کردند. این خزانه چندان بود که «تیمور گورکان» (۸۰۷-۷۷۱ ه.ق.) همواره می‌گفت که خزانه مرعشیان بیش از دارایی چند پادشاهی بود که بر آنان چیره شده بود. پس از تصرف دارایی مرعشیان، فرمان داد تا قلعه ماهانه سر را بسوزانند و ویران کنند (مرعشی، ۱۳۴۵: ۲۳۴).

**پرسش‌های پژوهش:** روایت‌های مربوط به کشف اشیاء تاریخی در مازندران، پراکنده اما قابل توجه است. در این نوشتار به مواردی از کشف اشیاء تاریخی مازندران که بیشتر مربوط به دوره معاصر (تا پیش از انقلاب اسلامی) است اشاره می‌شود. برخی از پرسش‌هایی که این پژوهش در صدد دستیابی به پاسخی برای آن‌هاست بدین شرح است: ۱. اهمیت آثار تاریخی مازندران که از کشفیات اتفاقی یا حفاریات غیرمجاز دو سده اخیر کشف شده، از لحاظ کمی و کیفی چگونه است؟ ۲. منابع بررسی آثار تاریخی حاصل از کشفیات اتفاقی مازندران کدام‌اند؟

**روش پژوهش:** در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع تاریخی مربوط به مازندران، از قبیل کتاب‌های تاریخی، روزنامه‌ها، جراید، سفرنامه‌ها و روایات عامیانه، با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی آن دسته از آثار تاریخی این منطقه پرداخت خواهد شد که از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست نیامده‌اند؛ بلکه در نتیجه کشفیات اتفاقی یا حفاریات غیرمجاز دو سده اخیر کشف شده و در حال حاضر شماری از آن‌ها در موزه‌های مختلف ایران و جهان قرار دارند.

## دیفینه‌های تاریخی مازندران در روایات عامیانه

نام گنج و سودای دستیابی به آن همیشه در طول تاریخ برای برخی مردم، حتی پادشاهان و امرا و سوسه‌انگیز بوده است. در کتاب تاریخ خاندان مرعشی<sup>۴</sup> آمده است: به میرزین‌العابدین،

پسر میرعلی خان خبر دادند که در فلان محل دفینه ای عالی پیدا شد. زین العابدین پس از شنیدن این خبر، بدون هیچ گونه معطلی و دفع وقت با لشکریانش بدانجا رفت و آنجا را تصرف کرد (مرعشی، ۱۳۶۴: ۱۲۹). در روایتی دیگر آمده است که در نزدیکی «چمنو» (قائم شهر) درکنار سیاهرود، محدوده ای به نام «کیتگرداب» است که «اسکندر زومی» اموال زیادی را در آنجا پنهان کرد. پادشاهان منطقه تلاش بسیار کردند تا آن غنائم را به دست آورند، اما موفق نشدند. آخرین این پادشاهان محلی، «ماکان بن کاکي»<sup>۷</sup> (سده سوم و چهارم ه.ق.) بود که پس از تلاش بسیار، بقایای عمارتی از گچ و خشت پیدا کرد، اما شبانه سیلی آمد و آن را تخریب کرد. ماکان، شب بعد خواب دید که بیهوده تلاش نکن، چون این غنائم برای تو نیست، در نتیجه دیگر کسی سراغ آن اموال پنهان شده نرفت (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۸۸-۸۹). عمر خیام نیشابوری (۵۳۶-۴۴۰ ه.ق.) در کتاب نوروزنامه در بخش «اندر علامت دفین ها» آورده است: «هر زمینی که درو گنجی یا دفینی باشد آنجا برف پای نگیرد و بگدازد<sup>۸</sup>، و از علامت ها [ی] دفین یکی آن است که چون زمینی خراب باشد بی کشتمند<sup>۹</sup> و اندران سپر غمی رسته بُود<sup>۱۰</sup> بدانند که آنجا دفین بود... چون انبوهی کرگسان بینند و آنجا مردار نباشد بدانند که آنجا دفینست...» (خیام، ۱۳۸۰: ۲۲، ۲۳).

در باور عامه، اشیاء تاریخی، اغلب جنبه سودجویی دارند و طبعاً در این باره داستان ها و روایات اغراق آمیز زیادی هم ساخته و پرداخته شده است. «مکنزی»<sup>۱۱</sup> نخستین کنسول انگلیس در شمال ایران، در ۱۲۷۴-۱۲۷۵ ه.ق. گزارشی از سفر خود از رشت به استرآباد، برای دولت مطبوعش تهیه کرد که در آن دو داستان عامیانه درباره دفینه های تاریخی مازندران ذکر شده است. در روایت اول آمده است که شخصی از اهالی ساری به هندوستان رفت و در آنجا با جادوگری آشنا شد. وقتی جادوگر فهمید این شخص از اهالی ساری است از او پرسید که آیا گنبد سلم و تور هنوز پابرجاست یا نه؟ وقتی جواب مثبت شنید، حاضر شد پول مراجعت شخص را علاوه بر هزار تومان بپردازد، به شرطی که در این ساختمان وردی بخواند و به سقف بنا نگاه نکند. مرد این شرط را پذیرفت و به مجرد مراجعت به ساری ورد را خواند، اما هنگامی که ورد را تمام کرد، صداهایی شنید که در اثر آن به بالا نگاه کرد و در همان لحظه مقدار زیادی سکه طلا جلو او افتاد. مرد دریافت که اگر نگاه نکرده بود، پول ها حتماً پرواز کرده و نزد مرد هندی می رفت (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۲۵).

در روایت دوم آمده است که یکی از قصاب های ساری به نقل از اجدادش گفته است که روزی چوپانی گوسفندان خود را برای حفاظت از طوفان در پای گنبد سلم و تور آورد و برای گذراندن وقت، زمین را با چوبه دستی خود کند. یک باره دریچه ای آهنین باز شد و چوپان از پلکانی که پشت دریچه بود پایین رفت. در زیرزمین کوزه های زیادی دید که مملو از طلا و نقره و جواهرات بود، چوپان هرچه قدر توانست از آن برداشت، ولی وقتی خواست خارج شود، در بسته بود و او متوجه شد مادامی که جواهرات و طلاها را سر جای خود نگذارد، اجنه ها نخواهد گذاشت که خارج شود. چوپان چنین کرد تا در نهایت در باز شد. از آن روز به بعد هرچه کوشش کردند، این محل جادویی را نیافتند (همان: ۱۲۶).

مشابه چنین داستان هایی که برخاسته از تصورات عامیانه درباره دفینه های تاریخی است، در دیگر نقاط ایران نیز به کرات شنیده می شود. گاهی ملاحظه می شود که برخی از پژوهشگران و مستشرقین تلاش کرده اند که در لابه لای این روایات عامیانه، در جست و جوی حقایق تاریخی یا انطباق آن ها با روایت های اسطوره ای باشند؛ از آن جمله «رایینوی» فرانسوی<sup>۱۲</sup> که معتقد است موقعیت گنبد سلم و تور درکنار برج مقبره امام زاده سید زین العابدین ساری واقع بوده است (رایینو، ۱۳۶۵: ۹۴-۹۵). وی یکی از پیشگامان پژوهش در آثار تاریخی مازندران بود که از سال ۱۲۸۵-۱۲۹۱ ه.ش. درباره موضوعات مختلف مازندران، از جمله آثار تاریخی آن به تحقیق پرداخت و حاصل آن رساله ای سودمند با نام مازندران و استرآباد است که در جلد ۳۱ مجله العالم الاسلامی<sup>۱۳</sup> منتشر شد.

### کشفیات اتفاقی در مازندران، در دو سده اخیر

در دوره معاصر، اشیاء تاریخی منحصربه‌فردی هنگام خاکبرداری از زمین‌های کشاورزی، احداث جاده، رانش زمین، سیلاب و غیره در مازندران به دست آمده است. به‌گفته «عزت‌الله نگهبان» تا پیش از کاوش‌های مارلیک و پیله‌قلعه، بیشتر اشیاء باستانی ناحیه مازندران و گیلان، در نتیجه حفاری‌های غیرمجاز و تجاری به دست آمده بود (Negahban, 1964: 19). بخش عمده این کشفیات را اشیاء سیمین، به‌ویژه سکه‌های نقره تشکیل می‌دهد. به‌گفته نوروززاده‌چگینی، وفور اشیاء نقره‌ای به دست آمده در مازندران، بیانگر وجود مراکز ساخت این اشیاء در این منطقه، در اواخر دوره ساسانی و دو سده نخستین اسلامی است (نوروززاده‌چگینی، ۱۳۶۷: ۱۷). «منوچهر ستوده» نیز معتقد بود در مازندران تعداد زیادی از ظروف نقره دوره ساسانی وجود داشت که برخی از آن‌ها تاکنون یافت شده است (ستوده، ۱۳۵۵، ج ۳: ۱۲۸). به‌طور کلی با توجه به شیوه اتفاقی کشف چنین آثاری، در منابع اشاره چندانی به جزئیات آن‌ها نشده و اشارات موجود نیز گذرا و گاه مبهم است. در ادامه به برخی آثار یا مجموعه اشیاء به دست آمده در کشفیات اتفاقی مازندران اشاره خواهد شد.

### کشفیات کجور و سوادکوه

ستوده از کشف اشیاء تاریخی از گورستان‌های «وراو»<sup>۱۴</sup>، «أزیرک»<sup>۱۵</sup> و «دروش‌گر»<sup>۱۶</sup>، واقع در محدوده روستای کندلوس، از توابع بخش کجور شهرستان نوشهر خبر داده و در این باره نوشته است: اسکلتهای یافت شده رو به شرق بوده و اشیاء نظیر سفال، دستبند، گردنبند، مهره و گوشواره از داخل آن گورها یافت شده است (ستوده، ۱۳۵۵، ج ۳: ۲۱۵). وی به نقل از «شروین باوند» نوشته است: در زمان «شعاع‌الملک باوند»<sup>۱۷</sup> در منطقه «مچدسر»<sup>۱۸</sup> از توابع «ارفده»<sup>۱۹</sup> سوادکوه، سه نفر درویش نمای یهودی‌الصل ادعا کردند که در این منطقه نشانه‌هایی از گنج وجود دارد. شعاع‌الملک دستور داد ۳۰-۴۰ نفر کارگر حاضر کنند و شروع به حفاری کردند. بعد از خاکبرداری سه ستون گچی کله‌قندی خیاره‌دار و مجمری مفرغی که دایره آن در حدود یک متر بود، یافتند. درویشان یهودی که از گنج‌نشانی نیافتند، کمی آن طرف‌تر را کاویدند و به جز روغن‌دان‌های متعدد چیزی نیافتند. با از بین بردن آثار تاریخی از آنجا رفتند (ستوده، ۱۳۷۵، ج ۴: ۴۳۱).

### کشفیات روستای گنیم

«طاهری‌شهاب»<sup>۲۰</sup> (۱۲۹۵-۱۳۵۰ ه.ش.) به سه شیء تاریخی نقره شامل تُنگ، مشربه و سینی به دست آمده از روستای «گنیم»<sup>۲۱</sup> از توابع بخش چهاردانگه شهرستان ساری اشاره کرده است. چوپانی در اوایل تابستان، حین چرای گوسفندان، چند آجر قدیمی را که بر اثر بارندگی و سیلاب از خاک بیرون آمده و نمایان شده بود مشاهده کرد و پس از جست‌وجو، این سه ظرف را که کتیبه‌ای عربی بر بدنه و نقوشی از گل‌وبوته و پرنده‌گانی چون بلدرچین و قرقاول بر آن‌ها حکاکی شده بود، یافت. کتیبه عربی با عبارت «الامیر ابی‌العباس وتکیر بن سنون مولی امیر المؤمنین» در واقع به نام حاکمی که ظروف به او تعلق داشت، اشاره می‌کند. این سه قطعه ظرف تاریخی پس از کشف به دست «ابراهیم‌خان صارم‌الممالک»، حاکم دودانگه افتاد و او در سال ۱۲۸۲ ه.ق. که ناصرالدین‌شاه در کلاردشت حضور داشت، آن‌ها را به شاه هدیه کرد. شاه نیز دستور داد تا این ظرف را در موزه کاخ سلطنتی گلستان نگهداری نمایند (طاهری‌شهاب، ۱۳۴۴: ۲۸-۳۲). در سفرنامه ناصرالدین‌شاه (۱۲۸۲-۱۲۸۳ ه.ق.) اشاره‌ای به این رویداد نشده است. به نظر می‌رسد که طاهری‌شهاب از منبع دیگری که بر ما معلوم نیست، جزئیات کشف و سرنوشت اشیاء مذکور را روایت کرده است؛ سرنوشت این ظرف‌ها نامعلوم است.

مشابه این خبر در روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه در سال ۱۳۰۵ هـ.ق. و سفرنامه ناصرالدین شاه به تاریخ ۱۳۰۶ هـ.ق. نقل شد و به نظر می‌رسد طاهری شهاب در نقل تاریخ کشف آن اشتباه کرده است. اعتماد السلطنه در ذی الحجه ۱۳۰۵ هـ.ق. در روزنامه خاطرات خود نوشت: «امروز شنیدم که از دهات هزارجریب مازندران که تیول امین السلطنه<sup>۳۲</sup> است، سیلی برخاسته تلی را شسته دینه‌ای آنجا از قبیل مسکوکات و جواهرات و طلا و نقره و غیرمسکوک بوده است» (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۷: ۵۸۹). جزئیات کشف این دینه به صورتی دقیق‌تر، در خاطرات ناصرالدین شاه قاجار ثبت شده است: «در ده هزارجریب تیول امین السلطنه تپه را سیل برده، می‌گفتند بعضی اسباب‌های طلا و نقره بیرون آمده است... امروز چهار پارچه از آن اسباب‌ها را که آدم امین السلطنه فرستاده بود، امین السلطنه به حضور آورد. یک جام، یک سینی، یک گلدان، یک آفتابه نقره بود. نقره بسیار خوبی داشت. دور سینی و گلدان و ظروف را هم به خط کوفی نوشته‌اند. زرگری این ظروف هم کار زرگری‌های عرب است. معلوم است وقتی که عرب بر مازندران مسلط بوده‌اند، این‌ها را در آن تپه خاک کرده‌اند. باز هم اسباب طلا، نقره بیرون آمده است که این آدم امین السلطنه خواهد آورد» (ناصرالدین شاه، ۱۳۹۰ الف: ۱۹).

### قاب آینه نقره‌ای کتیبه‌دار چالوس

هنگام احداث جاده کرج-چالوس در یکی از نقاط کوهستانی البرز، یک قاب آینه نقره‌ای کشف شد. پشت این قاب آینه، نقش برجسته‌ای از گل و بوته و یک اردک یا مرغابی و در قسمت داخل آن، کتیبه‌ای به خط پهلوی دیده می‌شود. این قاب آینه در قفسه ظروف عهد ساسانی موزه ملی نگه‌داری می‌شود (واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۷؛ طاهری شهاب، ۱۳۸۱: ۹۰۴).

### بشقاب ساسانی مکشوف در ساری

در آبان ۱۳۳۳ هـ.ش. در سیصدمتری شرقی ایستگاه راه‌آهن ساری، هنگام خاکبرداری، کلنگ کارگری که در کارگاه آجرپزی مشغول کار بود، به قسمت سختی اصابت کرد و سه ظرف نقره‌ای متعلق به دوره ساسانی کشف شد. در سطح داخلی یکی از این ظروف، نقش یکی از پادشاهان یا شاهزادگان ساسانی سوار بر اسب، در حال گریز از صحنه شکار دو شیر دیده می‌شود؛ در حالی که یکی کشته شده و بر زمین افتاده و سوار در حال شکار شیر دوم با تیر است (تصویر ۱). «رومن گیرشمن» این ظرف را مربوط به شاپور دوم (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۲۰۷-۲۱۳) و «لوئی واندنبرگ» آن را مربوط به یکی از پسران شاپور دوم یا شاپور سوم دانسته است (واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۷). ظرف دیگر با نقش برگ مویی و پوششی از طلا تزئین شده بود. بشقاب سوم ساده و بدون نقش بود (واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۷؛ حاکمی، ۱۳۴۴: ۳۲۹-۳۶۴؛ طاهری شهاب، ۱۳۸۱: ۹۰۷-۹۱۳). به گفته واندنبرگ، در همین منطقه اشیاء دیگری از دوره ساسانی (پنجم و ششم میلادی) به دست آمده است؛ از جمله دو چنگال نقره و سه جام با تصویر یک مهمانی که روی آن «هرمز پس نرکش» نقر شده بود (واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۷؛ ستوده، ۱۳۷۵، ج ۴: ۵۰۳). یک ظرف ساسانی دیگر نیز در موزه هنر کلیولند در آمریکا نگه‌داری می‌شود که شباهت بسیاری با ظرف به دست آمده از مجموعه ساری دارد (تصویر ۲).

### سینی مازندران

در سال ۱۳۳۴ هـ.ش. سه ظرف سیمین با نقش بانوانی در حال نواختن چهارآلت موسیقی رایج آن زمان (بربط، سورنا، قاشقک و ارگ دستی) برای نگه‌داری در موزه ملی ایران خریداری شد (سامی، ۱۳۴۴: ۱۸۳). این ظروف شامل سینی‌های مدور گودی هستند که در یکی از مقبره‌های کوچک مازندران کشف شده‌اند و گیرشمن آن‌ها را از نظر تاریخی متعلق به بعد از آغاز سده ششم



تصویر ۱. بشقاب نقره‌ای با نقش شاه یا شاهزاده ساسانی در حال شکار شیر، مکشوف از ساری، قطر ۶/۲۸ سانتی‌متر، وزن ۱۳۰۲ گرم. محل نگهداری: موزه ملی ایران، شماره ثبت ۱۲۷۵ (برگرفته از کاتالوگ آثار زرین و سیمین موزه ملی ایران).



تصویر ۲. بشقاب ساسانی با نقش شاه ساسانی (هرمزد دوم) در حال شکار شیر (موزه هنر کلیولند).

میلادی دانسته است (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۲۱۶). از کتیبه پهلوی داخل این ظرف برمی آید که صاحب آن «وندادهرمزد» از تبار کارن باشد که در اواخر قرن دوم هجری حکومت «قاروند» را تأسیس کرد (شواربی، زیر چاپ): ۶۸۵) در هر قسمت از این جام های سیمین (تصاویر ۳ و ۴) که با نقش برجسته های ظریف در هر بخش تزئین شده، پیکره ای از یک زن در چهارچوب درخت تاکی که درون قوسی حکاکی شده، به چشم می خورد. در وسط این سینی ها، نقش پرنده ای در میان یک طرح صلیبی شکل وجود دارد (بوسایی، ۱۳۷۶: ۸۹).



تصاویر ۳ و ۴. سینی نقره ای مکشوف از مازندران، قطر دهانه ۲۲/۲ سانتی متر، وزن ۸۷۸ گرم، شماره موزه ۱۳۳۳، سده هشتم میلادی موزه ملی ایران (کاتالوگ آثار زرین و سیمین موزه ملی ایران) و طرح همان سینی (چپ)، (Al-Khamis, 1998: fig. 8).

### گنجینه کلاردشت

در سال ۱۳۱۸ ه.ش. در داخل حوض کاخ بیلاقی رضاشاه در کلاردشت، رخنه ای پدید آمد و معماران و کارگران در تلاش برای کشف راه آبخوره و بستن منافذ، حفره ای یافتند که گنجینه ای از اشیاء مختلف دوره های تاریخی در آن بود. این اشیاء شامل یک صد عدد ظرف سفالین، چهار عدد ظرف زرین، یک خنجر طلائی (تصویر ۵)، سه ظرف نقره ای ساسانی و یک گلدان نقره است. تنگ ساسانی از جنس طلا و نقره است و در ته آن سوراخی تعبیه شده است. تصویر چهار زن رقصنده در زیر شاخ و برگ انگور نقش شده است (تصویر ۶). این تنگ را مربوط به سده پنجم تا هفتم میلادی دانسته اند (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۲۱۴-۲۱۵؛ گدار، ۱۳۶۵: ۲۶۱-۲۷۰ و هارپر، ۱۳۸۹: ۷۷). ارتفاع جام معروف کلاردشت ۹/۵ سانتی متر و قطر دهانه آن ۱۱/۵ سانتی متر است (صمدی، ۱۳۳۴: ۱۱۵-۱۳۶؛ مهجوری، ۱۳۴۵: ۲۰۱-۲۰۵). در بدنه جام، چهار شیر به صورت برجسته و در حال حرکت نشان داده شده است (تصاویر ۷-۹). امروزه گنجینه کلاردشت در موزه ملی ایران نگه داری می شود.

### دفینه مسجد آدینه

سندی نه برگی با عنوان «کشف دفینه در زیر منبر مسجد آدینه جواهرده<sup>۲۳</sup>» با شماره ۲۹۳/۱۳۱۳ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگه داری می شود. به استناد این سند در سال ۱۳۳۰ ه.ش.، چند شیء تاریخی در این مسجد یافت شد (ر.ک به: سند شماره ۲۹۳/۱۳۱۳).

### دفینه شیرگاه

سندی سه برگی با عنوان «کشف دفینه در شاهای مازندران» با شناسه سند ۲۹۳/۱۳۲۴، در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگه داری می شود. به استناد این سند، در سال ۱۳۳۴ ه.ش. شخصی



تصاویر ۵ و ۶. راست: خنجر زرین کلاردشت، طول ۳۷/۷ سانتی متر، شماره موزه ۱۶۸۲ (برگرفته از کاتالوگ آثار زرین و سیمین موزه ملی ایران)، تنگ ساسانی کلاردشت (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۲۱۵).



تصاویر ۹-۷. از راست: جام زرین کلاردشت و طرح آن (پرادا، ۱۳۷۳: شکل ۶۱)، قطر دهانه ۱۲ سانتی متر، قطر کف ۱۰/۷ سانتی متر، ارتفاع ۱۰ سانتی متر؛ تصویر پایین: کف جام زرین کلاردشت با نقوش هندسی (Samadi, 1959A: 16; 1959B: 180)



به نام «رضا موسوی» در محله سرچاک شیرگاه سوادکوه، در زمین خود اشیائی یافت. او در اعترافات خود مدعی شد در پی خواب پسر بچه هشت ساله اش، محل مزبور را حفر کرده است. موسوی چند روز بعد به همراه سه تن دیگر که سعی در حفر زمین و فروش آن داشتند، دستگیر شدند. این چهار تن در بازجویی، اعترافات ضدونقیضی داشتند و پس از اعتراف نهایی در ژاندارمری شیرگاه، به دادگاه شاهی (قائم شهر) احضار شدند. اشیاء مکشوف که شامل یک عدد دست بند باریک به رنگ سفید و یک سکه، دو عدد النگوی سفیدرنگ، یک عدد النگوی پهن و یک سکه سفید و چند عدد مهره سفید و سیاه (میرکا) بود، به اداره کل باستان شناسی تحویل داده شد. در یک برگ از این سند سه برگی، فرمانده گروهان ژاندارمری شاهی ماقع را شرح داده است. برگه دوم از طرف وزارت فرهنگ و برگه سوم از طرف صالحی، فرماندار شهرستان شاهی است (ر.ک. به: سند شماره ۱۳۲۴/۲۹۳).

سند های دیگری نیز در این باره مانند «کشف و سرقت دفينه در یکی از روستاهای بابل مازندران» با شناسه سند ۲۹۳/۱۳۵۸، «گزارش‌ها و مکاتبات در خصوص دفينه و اشیاء با ارزش قدیمی» با شناسه سند ۲۹۳/۶۸۵۸۴ و «کشف آثار عتیقه در روستاهای بخش کلاردشت» با شناسه سند ۲۹۳/۶۴۶۶۵ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگه داری می شود.

### سکه های روستای اسلام آباد و زید

در سال ۱۳۳۷ ه.ش. در عملیات جاده سازی روستای اسلام آباد و زید (شاه آباد زید سابق) واقع در شهرستان میاندورود فعلی، در کنار پلنگ تپه<sup>۲۴</sup>، ۱۲۹ عدد سکه نقره در یک ظرف سفالی به دست آمد و تحویل موزه ملی ایران شد. این سکه ها که در شهرهای مختلف ایران ضرب شده بودند، به خسرو اول، هرمزد چهارم، خسرو دوم، هرمزد پنجم و یزدگرد سوم ساسانی و یک سکه عرب-ساسانی به عبیدالله بن زیاد (به سال ۶۲ ه.ق.) تعلق داشتند. در میان سکه ها، ۱۷ عدد سکه ضرب آمل مربوط به عصر خسرو دوم ساسانی وجود داشت (ملکزاده بیانی، ۱۳۳۸: ۳۶-۲۷؛ طاهری شهاب، ۱۳۹۰: ۸۴۲).

### برخی اشیاء پراکنده دیگر به دست آمده از کشفیات تصادفی مازندران

«مهدی بهرامی» به یک بشقاب لبه دار پایه کوتاه مربوط به دوره ساسانی اشاره کرده که در سال ۱۳۱۹ ه.ش. در مکان نامعلومی در مازندران کشف شد (بهرامی، ۱۳۲۳: ۳۴).<sup>۲۵</sup> در درون این ظرف که بر اثر رطوبت زمین سوراخ شده، نقش کنده سلطانی سوار بر اسب حک شده که با نیزه کوتاهی گورخری را شکار کرده است (تصویر ۱۰). برخی این ظرف را متعلق به سده پنجم تا هفتم میلادی (هارپر، ۱۳۸۹: ۷۸) و عده ای دیگر متعلق به خسرو یکم (بهرامی، ۱۳۲۳: ۳۴) یا قباد اول (Azarpay, 1967: 146-147) دانسته اند.

هم چنین «فون بوتمر» (Von Bothmer, 1961: pls 15, 101, no.45)، تصویری از یک جام نقره مطلای اشکانی، مربوط به حدود سده دوم قبل از میلاد ارائه کرده است که از مازندران به دست آمده و قبلاً در مجموعه «هرتسفلد» قرار داشته است (Strong, 1979: 109). نمونه دیگر، دو ظرف نقره ای (تصاویر ۱۱ و ۱۲) و یک ریتون نقره طلاکاری شده با دسته ای به شکل سر اسب است که گویا در مازندران کشف شده است (Curtis & Simpson, 2005: 433).

در سال ۱۸۹۳ م. / ۱۳۱۱ ه.ق.، دو شیء، شامل یک تئنگ نقره به ارتفاع ۱۸/۵ سانتی متر و یک بشقاب نقره به قطر ۱۹/۷ سانتی متر که درون یک ظرف مسی قرار داشتند در مازندران کشف شدند. در قسمت پایین تئنگ، سوراخی مثل یک صافی وجود دارد که احتمالاً از آن به عنوان یک صافی برای پالودن آب انگور استفاده می شده است. بدنه تئنگ با نقوش انسانی، حیوانی (پرنده گان) و گیاهی (انگور) در یک زمینه طلایی تزئین شده است و یک صحنه انگورچینی را نشان می دهد (تصویر



تصویر ۱۰. طرح بشقاب ساسانی (بهرامی، ۱۳۲۳: ۳۵).



تصاویر ۱۱ و ۱۲. دو ظرف نقره که گویا در مازندران کشف شده‌اند و در موزه بریتانیا نگه‌داری می‌شوند (Curtis & Simpson, 2005 41.5 & 41.6).

۱۳). گردن تنگ مذکور ساده و فاقد نقش بوده و روی آن حروفی به خط پهلوی نقش بسته است. تنگ مذکور را مربوط به سده پنجم تا ششم میلادی هم‌زمان با دوره ساسانی دانسته‌اند (Dalton, 1964: 125-26). روی بشقاب نقره، صحنه جشن یا ضیافتی درون یک باغ به صورت برجسته، در یک زمینه طلایی نقش بسته است (Ibid: 127)، (تصویر ۱۴). بشقاب مذکور دارای یک کتیبه فارسی میانه بوده و آن را مربوط به سده هفتم میلادی (پس از ساسانی؟) تاریخ‌گذاری کرده‌اند (هارپر، ۱۳۸۹: ۷۶).

حدود دو دهه پیش، در عملیات مربوط به یک کار ساختمانی در حوالی ساری، مجموعه‌ای بالغ بر ۴۰ شی برونزی، شامل جام‌های لوله‌دار، سرنیزه، سرتبر و تیشه که در یک مجموعه واحد در کنار هم دفن شده بودند، کشف شد. این یافته‌های منتشر نشده، در حال حاضر در موزه گرگان نگه‌داری می‌شوند (Curtis & Simpson, 2005: 440). هم‌چنین در فروردین ۱۳۶۷ ش.، سه حفار غیرمجاز یک قطعه طلای زینتی چکش‌کاری شده (شبیبه سینه‌بند) را کشف و به سه‌تکه تقسیم کردند. یک دلال محلی ساروی، سه تکه این طلای زینتی را به تهران منتقل کرد. این طلای زینتی شبیه کارهای دوره ساسانی بود، به‌ویژه تصویر نیلوفر آبی (لوتوس) با شاخه خمیده (مانند اسلیمی) که در بسیاری از آثار فلزی ساسانی به چشم می‌خورد. در فاصله نقش‌های اصلی آن (عقاب) حکاکی شده بود. نقش عقاب‌ها تا حدی از شیوه هخامنشی تبعیت می‌کرد (حصوری، ۱۳۶۹: ۶۴).



تصاویر ۱۳ و ۱۴. از راست: بشقاب و تنگ نقره‌ای ساسانی، به دست آمده از کشفیات اتفاقی در مازندران (Dalton, 1964: pl. XXVI).

### دفینه‌ها و اشیاء تاریخی مازندران مندرج در سفرنامه‌های دو سده اخیر

سفرنامه‌ها از جمله منابع کتبی مفیدی هستند که زوایای روشنی از آداب و رسوم، زبان، گویش و فرهنگ یک منطقه را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند. در لابه‌لای برخی از سفرنامه‌ها می‌توان روایت‌هایی از چگونگی کشف و سرنوشت برخی آثار تاریخی یافت. ناصرالدین‌شاه قاجار در بخشی از گزارش سفر خود به مازندران در سال ۱۲۸۳ ه.ق. اشاره کرده که یکی از سردارانش به نام «حبیب‌الله خان» به او گفته بود کتاب کهنه‌ای موسوم به گنج‌نامه دارد که محل دفن گنجی را در دو نقطه هزارچم نشان می‌دهد. حبیب‌الله خان از شاه اجازه حفاری خواست و شاه هم به او اجازه داد. حبیب‌الله خان حفاری را به «ملک منصور میرزا» محول کرد و او به همراه چند عمده در منطقه طویر مرزن آباد مشغول به کار شد. ناصرالدین‌شاه در سفرنامه‌اش نوشت که آن‌ها زمین را به شکل صلیب حفر کردند (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۹۰: ب: ۱۸۲).

«اعتضاد السلطنه»<sup>۲۶</sup> (۱۲۳۴-۱۲۹۸ ه.ق.) در گزارش سفر خود به لاریجان، درباره کنکاش کاروان سفر در یکی از غارهای «اسک»<sup>۲۷</sup> نوشته است: در منطقه اسک لاریجان غار و دخمه‌هایی وجود دارد که رفتن به داخل آن‌ها دشوار است. سده‌ها پیش به دلیل ناامنی برای حفظ جان خود این دستکندها را ساخته‌اند، اما امروزه [دوره قاجار] اهالی اسک بعضی از این دستکندها را به انبار علوفه و دام تبدیل کرده‌اند. یک غار بزرگ در نیم‌فرسنگی اسک قرار دارد، «چنان‌که اهل طمع و افلاس گویند، گنج‌زر است و بعضی مردم ضعیف‌الرأی از خوف رنج راه گویند طلسم است و محل خطر». در میان اهالی چنین باور است که «طهماسب قلی خان»، سردار لاریجان در زمان فتحعلی‌شاه قاجار با جمعیت و آلات حفر و مشعل‌ها تا آخر غار رفتند و چند سال قبل «مهدی قلی خان قاجار قوانلو» که الان امیر آخور است با جمعی از اهالی اسک تا آخر غار رفته و «حکیم بکمز»<sup>۲۸</sup> نیز تا وسط غار رفته‌اند. اعتضاد السلطنه در ادامه گفته است در توقف در اسک، دو مرتبه، افراد گروه وارد غار شدند. مرتبه اول «موسیو ریشارد خان» با چند نفر از اهالی لاریجان با «تدارک لازمه از ماکول و مشروب و چراغ و بیل و کلنگ و اسلحه و غیره» به داخل غار رفتند. چون موسیو ریشارد خان احتمال می‌داد غار مزبور محل اسکان انسان‌های پیشین باشد، ۲۰-۳۰ نقطه از کف غار را از فضولات حیوانات پاک کردند، اما مطلقاً استخوان انسانی در آنجا نیافتند. در پایان، افراد گروه نوشته‌ای بدین شرح در انتهای غار نصب کردند: در سنه ۱۲۹۷ ه.ق. در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه، گروه موفق به

کنکاش در این غار شدند. اعتضادالسلطنه هم چنین نوشته است مطالبی که درباره وجود گنج درون این غار می‌گویند، صحت ندارد و فقط یک خمره سفالی قدیمی و شکسته در دهانه غار به دست آمد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۰: ۳۳۱۳۳۵).

«اعتمادالسلطنه»<sup>۲۹</sup> که در سفر ناصرالدین شاه به لاریجان در سال ۱۲۹۸ ه.ق. همراه او بود، به اتفاق چند تن از درباریان، از یک عمارت قدیمی واقع در دره قوشخانه در کنار رودخانه لار در ارتفاعات مازندران بازدید کرد. او این عمارت دوطبقه را که به دلیل متروک شدن، به صورت تپه‌ای مخروبه درآمده بود توصیف کرد. این عمارت دارای چهار راهرو، یک طاق بزرگ، چهار نیم طاق و شاه نشین بود. مطابق توصیف اعتمادالسلطنه، در طبقه بالای عمارت در بالای ایوان، کاشی‌های الوان مختلف بسیار زیبا و گچ‌کاری مشابه مساجد و عمارت‌های اواخر دوره مغول و اوایل دوره صفویه به کار رفته بود. وی در ادامه نوشته است: در کاشی‌های طلایی‌رنگ عمارت، کتیبه‌هایی به خط نسخ، ثلث و شکسته وجود دارد که در حاشیه یکی از آن‌ها نوشته بود: «پر کن مرا جامی که سلامت است کارم». به نظر اعتمادالسلطنه این عمارت مقبره نبوده، بلکه محل عیاشی بوده است. وی دیگر قسمت‌های عمارت - حرم‌خانه و مطبخ - را نیز شرح داده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۹۲-۹۳ و اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۱۴۹). «فووریه»<sup>۳۰</sup> که در سال ۱۳۰۳ ه.ق. در سفر ناصرالدین شاه به ارتفاعات مازندران حضور داشت، درباره این عمارت نوشته است: این عمارت مخروبه که پیش‌تر اعتمادالسلطنه از اینجا کاشی زرنگار و دو شمعدان مسی پیدا کرده بود، در زمان ارغون خان مغول ساخته شد و پسر و جانشین او، غازان، در سال ۶۹۴ ه.ق. در همین قصر مسلمان شد (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

«ملگونوف»<sup>۳۱</sup> که در سال‌های ۱۲۷۵-۱۲۷۷ ه.ش. / ۱۳۱۴-۱۳۱۶ ه.ق.، مقارن با حکومت مظفرالدین شاه قاجار برای مأموریتی از جانب حکومت قفقاز به نواحی جنوبی دریای مازندران سفر کرده بود، در سفرنامه خود از وقوع یک زمین‌لرزه یا طغیان آب خبر داد که در سده دهم هجری قمری، شهر ساری را ویران کرده بود. به گفته ملگونوف در غرب شهر ساری، در محدوده‌ای به نام «شعبان»، هنگام کشت صیفی جات، بقایای مصالح ساختمانی ظاهر شد (ملگونوف، ۱۳۷۶: ۲۰۱-۲۰۰).

نویسنده رکن الاسفار<sup>۳۲</sup> در سال ۱۳۳۱ ه.ق. هنگام حضور در بارفروش (بابل) به آجرهای قدیمی که در تپه باستانی روستای ابوالحسن کلای بابل امروزی به دست آمد، اشاره کرده است (افضل الملک، ۱۳۷۳: ۷۲). «بلوشر»<sup>۳۳</sup> در سفرنامه خود از حقیقتی پنده برداشته است؛ در بسیاری از شهرهای ایران اشیاء عتیقه تقلبی می‌سازند و حتی در کشورهای اروپایی نیز این اشیاء تقلبی را می‌ساختند و از راه‌های غیرقانونی برای فروش به ایران وارد می‌کردند. این اشیاء را یا در ایران می‌فروختند و یا با مهری که حاکی از اصالت ایرانی آن بود، دوباره صادر می‌کردند. بلوشر شرح می‌دهد که یکی از دلایل تهران از یکی از دهاتی‌های مازندرانی، یک بشقاب تاریخی از جنس نقره به قیمت چند قران خرید، در روی بشقاب تصویر گاو و غزالی نقر شده بود و این شیء بسیار زیبا بود. دلال این بشقاب را به قیمت ده هزار تومان به فروش گذاشت اما گویا نفروخت (بلوشر، ۱۳۶۹: ۲۴۶).

### دفینه‌ها و اشیاء تاریخی مازندران مندرج در روزنامه‌های دو سده اخیر

برخی از روزنامه‌های عصر قاجار و پهلوی نیز گزارش‌هایی درباره کشف آثار و اشیاء تاریخی منتشر کرده‌اند. از جمله در شماره ۱۴۰ روزنامه کوشش آمده است: از آمل اطلاع می‌دهند اخیراً دفینه‌ای شامل ۲۲ سکه طلا به دست آمد و کاشف آن که شخصی به نام «علی» بود فرار کرده است (روزنامه کوشش، ش ۱۴۰، ۱۳۰۷: ص ۱ و ۲). در شماره ۱۴۴ همین روزنامه، ضمن اعلام خبر دستگیری فرد

خاطی آمده است در تحقیقات معلوم شد که تعداد سکه ها ۳۰ عدد بود و فرد خاطی فقط ۲۳ عدد آن را به مالیه تحویل داد. این سکه ها مربوط به «مرادبن سلیمان» پادشاه عثمانی و تاریخ ضرب آن سال ۹۱۸ هـ.ق. اعلام شده است (همان، ش ۱۴۴، ۱۳۰۷: ص ۱ و ۲). باتوجه به زمان حکومت مرادبن سلیمان (مراد سوم)، به نظر می رسد که تاریخ صحیح ۹۸۱ هـ.ق. باشد.<sup>۳۴</sup>

در شماره ۴۰ همان روزنامه آمده است که در روستای «کلاگرسرا»<sup>۳۵</sup> واقع در حدفاصل مشهدسر (بابلسر) و فریدون کنار، در ملک ورثه «مزیر افخم»، ۸۹۹ عدد سکه مربوط به «شاه طهماسب» و «سلطان محمد خدابنده»، ضرب بارفروش (بابل) و ساری یافت شده است (همان، ش ۴۰، ۱۳۰۹: ص ۱). در شماره ۵۸ روزنامه کوشش آمده است چند نفر که در محله چاک سر شهر آمل مشغول حفاری بودند، دفینه ای یافتند. در پی انتشار خبر، نظمیة آمل دو نفر از حفاران به نام های «علی» و «ابوالحسن» را تحت تعقیب قرار داد. پیگیری ها نشان داد که مجموع سکه های کشف شده در این حفاری، ۲۰۰ عدد سکه نقره بود که ۴۱ عدد آن را فردی به نام «توکلی»، از قرار مثقالی ۶۰۰ دینار خریداری کرد. این سکه ها مسترد شد، اما سکه های باقی مانده به یک زرگر و دو کلیمی فروخته شد و آن ها مسکوکات را ذوب کرده بودند. در یک طرف سکه های مذکور، عبارت «لااله الاالله» و در طرف دیگر کلمات «ابوسعید» و «غیاث الدین» نقر شده بود. سکه ها ضرب ساری بود و تاریخ ۸۴۹ هـ.ق. را نشان می داد (همان، ش ۵۸، ۱۳۱۰: ص ۲ و ۳). در شماره ۱۵۱ روزنامه کوشش آمده است که در روستای «مرزان ده قشلاق لور» از توابع سولده (نور)، رعایا در حین بستن بست رودخانه، یک کوزه با محتوای ۱۵۰ عدد سکه نقره مربوط به دوره شاه اسماعیل صفوی (حک: ۹۳۰-۹۰۷ هـ.ق.) یافتند (همان، ش ۱۵۱، ۱۳۱۰: ص ۲).

در شماره ۱۸۱ نیز آمده است: سه نفر در حین کندن خاک، در قلعه فریدون در اطراف فریدون کنار، تعدادی سکه طلا پیدا کردند. تحقیقات در مشهدسر (بابلسر) نشان داد تعداد سکه های کشف شده، ۳۹ سکه مربوط به اوایل دوران اسلامی و وزن هر سکه حدود یک مثقال بوده است. نظمیة ۲۱ عدد آن ها را جمع آوری کرد، ۱۵ عدد از آن ها به یک نفر کلیمی فروخته شده بود و سه عدد دیگر نزد اشخاص نامعلومی است که مأمورین در تعقیب آن ها هستند (همان، ش ۱۸۱، ۱۳۱۲: ص ۲).

در سال ۱۳۱۶ هـ.ش. در حین ساخت بیمارستان آمل ۵۸ سکه نقره شاه عباسی کشف و تحویل اداره معارف آمل شد (همان، ش ۲۵۴، ۱۳۱۶: ص ۱ و ۲). در سال ۱۳۱۷ هـ.ش. بخشدار چهاردانگه به فرمانداری مازندران گزارش کرد که چوپانی به نام «شریف» ساکن کیاسر، در حین حفر زمین مقداری نقره در کوزه سرشکسته پیدا کرد. پس از بازرسی کامل حدود ۱۰۰ عدد سکه نقره گردآوری شد. روی سکه «السلطان بن الخاقان طوقاخان» و در پشت سکه «لااله الاالله محمد رسول الله» و در چهار گوشه آن «علی، ابوبکر، عمر و عثمان» حک شده بود. این مسکوکات به شهر ساری منتقل و به اداره معارف تحویل داده شد (همان، ش ۶۷، ۱۳۱۷: ص ۲). در سال ۱۳۱۸ هـ.ش.، در روستای باریک محله<sup>۳۶</sup>، کودک ۱۲ ساله ای که در کنار نهر آب مشغول بازی و کندن زمین بود، هفت عدد سکه نقره پیدا کرد. یک نماینده از شهرداری آمل و یک نماینده از اداره فرهنگ برای بازدید به محل کشف مراجعه کردند. سکه ها مربوط به دوره مغول بود و به اداره فرهنگ تحویل شد (همان، ش ۱۶۶، ۱۳۱۸: ص ۲).

### نتیجه گیری

بی تردید ناحیه مازندران یکی از شاخص ترین حوزه های تاریخی-فرهنگی ایران است. نگاهی به جایگاه این منطقه در تاریخ و اساطیر ایران و نیز کیفیت آثار و اشیاء تاریخی برجای مانده از دوره های مختلف، بر اهمیت تاریخی مازندران گواهی می دهد. در روایت های عامیانه مربوط به مازندران، مکرراً به کشف اشیاء تاریخی توسط حاکمان مختلف اشاره شده که نشان از توجه آن ها به چنین

اشیاء و آثاری دارد؛ با این حال بسیاری از روایت‌های موجود اغراق‌آمیز بوده و در مواردی نیز به اعتبار برخی از آن‌ها تردید وارد است. سودای گنج‌یابی و عتیقه‌جویی در طول تاریخ در این منطقه نزد عامه مردم و حاکمان آن وجود داشته که در این پژوهش به مواردی از آن اشاره شده است. در این مقاله صرفاً به بررسی برخی اشیاء تاریخی کشف شده از حفاریات غیرمجاز یا کشفیات اتفاقی در دو سده اخیر تا دوره پهلوی دوم پرداختیم. منظور از کشفیات اتفاقی، آن دسته از آثاری است که در نتیجه شخم، ساخت‌وسازهای مختلف، سیلاب، تخریب‌های غیرعمدی و مواردی از این دست از زیر خاک بیرون آمده و در اختیار نهادهای مربوط قرار گرفته‌اند. منابع مورد استناد ما در این مقاله، عمدتاً متون تاریخی، اسناد، سفرنامه‌ها و مطبوعات دوره قاجار و پهلوی بوده است. سرنوشت بسیاری از اشیاء تاریخی کشف شده از حفاری‌های غیرمجاز یا کشفیات اتفاقی نامعلوم است. برخی از آثار تاریخی مذکور به صورت پراکنده در موزه‌های داخلی یا موزه‌ها و گنجینه‌های خصوصی و غیرخصوصی خارج از کشور نگه‌داری می‌شوند. این اشیاء، اغلب ساماندهی نشده‌اند و وضعیت روشنی ندارند. این درحالی است که برخی از اشیاء مکشوف در مازندران، از جمله «جام زرین کلاردشت» و «ظروف نقره ساسانی»، به لحاظ کیفیت و ارزش هنری و تاریخی منحصر به فردند. در این مقاله تلاش شد برخی زوایای پنهان و آشکار مربوط به این اشیاء بررسی شود؛ دستیابی به نتایج بهتر در این باره، منوط به تلاش و همیاری دیگر پژوهشگران است.

### سپاسگزاری

از آقای مصطفی نوری به سبب آن‌که بایگانی روزنامه کوشش را در اختیار نگارندگان قرار دادند و از آقای احسان شواربی برای راهنمایی‌های سودمندشان سپاسگزاریم.

### پی‌نوشت

۱. تاریخ طبرستان اثر «بهاء‌الدین محمد بن حسن بن اسفندیار» از اهالی آمل است که در حدود سال ۶۱۳ ه.ق. تألیف شد و از قدیمی‌ترین منابع کتبی موجود درباره تاریخ طبرستان به شمار می‌رود.
۲. «حسام‌الدوله اردشیر»، پسر «کینخوار» (حک: ۶۳۶-۶۴۷ ه.ق.)، نخستین فرمانروای «کینخواریان» (۷۵۰-۶۳۵ ه.ق.)، در ۶۴۷ ه.ق. پس از ۱۲ یا ۱۵ سال حکومت درگذشت؛ وی بر ضد مغول‌ها شورید و پایتخت را از ساری که «آل‌باوند» آنجا را مقرر خود ساخته بودند، به آمل که کمتر در معرض تاخت‌وتاز بود، انتقال داد.
۳. به اندازه طول دو نیزه (حدود سه متر) از خاک را کردند.
۴. پدیدار شد.
۵. احتمالاً در اطراف محمودآباد امروزی بوده است.
۶. «میرتیمور» از «سادات مرعشی» مازندران بود. وی دنباله کار تاریخ میرظهیرالدین مرعشی را گرفت و تاریخ این خاندان را تا سال ۱۰۷۵ ه.ق. نوشت. این کتاب به تصحیح «منوچهر ستوده» انتشار یافت.
۷. «ماکان بن کاک»، سردار دیلمی که کار خود را با علویان طبرستان آغاز کرد و مدتی در دستگاه آل زیار حضور داشت و سپس به سامانیان پیوست و از طرف آن‌ها حاکم کرمان شد. پس از مدتی علیه «امیرنصر سامانی» شورش کرد و بخش‌هایی از خراسان و گرگان را به تصرف خود درآورد، اما در سال ۳۲۹ ه.ق.، در نبرد با «ابوعلی چغانی»، سپهسالار سامانیان در خراسان به قتل رسید.
۸. برف دوام نمی‌آورد و آب می‌شود.
۹. هم چون زمینی بایر و لم‌یزرع است.
۱۰. در آن گیاه «سپر غمی» روئیده باشد.

11. Captain Charles Mackenzie.

12. Hyacinth Louis Rabino.

۱۳. این مجله هفتگی را که به زبان عربی منتشر می‌شد، «شیخ عبدالعزیز جابیش» در سال ۱۳۳۴ ه.ق. / ۱۹۱۶ م. تأسیس کرد.

14. Voraw.

15. Ozirak.

16. DerooshKor.

۱۷. «ابراهیم خان (بیگ)» ملقب به «شعاع‌الملک»، پدر بزرگ «هژبرسلطان» بود. فرزندان وی، از جمله «امیرمؤید سوادکوهی» و «لطف‌الله خان شعاع‌الملک» در تحولات دوره مشروطه مازندران نقش بسزایی داشتند. شعاع‌الملک در دربار ناصرالدین شاه بود و در سال ۱۳۰۶ ه.ق. در تبریز درگذشت و در کربلا به خاک سپرده شد.

18. Machedsar.

19. Arfahdeh.

۲۰. «سید محمد طاهری شهاب» (۱۲۹۵-۱۳۵۰ ه.ش.)، شاعر، پژوهشگر و نویسنده مازندرانی و صاحب تألیفاتی چون شحنة مازندرانی، فرهاد میرزا و میرزا طاهر دیباچه نگار، نمونه هایی از مسکوکات ضرب شده در طبرستان، جمعیت عالم در قرون گذشته و منظر ساروی است.

21. Konim.

۲۲. «میرزا محمد علی خان امین السلطنه» که مأمور کارهای زرگری دربار بود؛ وی بعدها وزیر مالیه شد.

۲۳. پس از تشکیل شهرستان رامسر در سال ۱۳۵۸ ه.ش.، جواهرده از توابع این شهرستان به شمار آمد.

۲۴. این تپه امروزه در روستای قندارخیل واقع است.

۲۵. «ستوده» محل کشف این ظرف را کلاردشت دانسته است (ستوده، ۱۳۵۵، ج ۳: ۱۲۸).

۲۶. «علی قلی میرزا» ملقب به «اعتضاد السلطنه»، پنجاه و چهارمین پسر فتحعلی شاه قاجار و از شاهزادگان دانشمند و نواندیش اواسط دوره قاجار و نخستین وزیر علوم ایران بود؛ وی در رجب ۱۲۹۷ ه.ق.، به همراه «مسیو ریشارد خان»، معلم زبان فرانسۀ دارالفنون، «میرزا محمد علی خان منشی باشی» و «میرزا ابوالقاسم خان حکیم باشی» برای استفاده از آب های معدنی لاریجان و درمان بیماری «گرفتگی آواز» به لاریجان سفر کرد؛ وی موفق به درمان بیماری خود نشد و چند ماه بعد، در شب عاشورای ۱۲۹۸ ه.ق. بدرد حیات گفت، اما ره آورد ارزشمند این سفر، سفرنامه لاریجان اوست که حاوی داده های تاریخی ذی قیمتی است (نوری، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۵).

۲۷. غارهای آسک (Ask)، در منطقه لاریجان و در کناره جاده هراز (تهران-آمل) واقع است. به نظر می رسد این غارهای دست کند، مربوط به اواخر ساسانی و اوایل اسلامی باشد. امروزه با تغییر کاربری به عنوان «آغل احشام» مورد استفاده روستاییان منطقه قرار گرفته است.

۲۸. «بکمز (محمد حسن عمادالطبا)»، پزشکی از ارامنه استانبول که در دوره قاجار به ایران آمد و مسلمان شد.

۲۹. «محمد حسن خان» (۱۲۵۶-۱۳۱۳ ه.ق.) ملقب به «اعتضاد السلطنه»، نویسنده و سیاستمدار نامدار عصر ناصری که از وی پیش از سی اثر شامل تألیف و ترجمه برجای مانده است. برخی از مهم ترین آثار اعتضاد السلطنه عبارتند از: روزنامه خاطرات، تاریخ منتظم ناصری، مرآت البلدان، صدرالتواریخ، المآثر و الآثار، مطلع الشمس و التدوین فی احوال جبال شروین.

۳۰. «ژوانس فووریه» (Joannes Fauvriert) (۱۸۴۲-۱۸۹۵ م.)، پزشک فرانسوی ناصرالدين شاه قاجار که از سال ۱۳۰۶-۱۳۰۹ ه.ق. در دربار وی اقامت داشت. کتاب سه سال در دربار ایران که یکی از بهترین منابع درباره اوضاع ایران در دوره ناصری محسوب می شود، خاطرات و حاصل مشاهدات فووریه است.

31. Melgunev, Grigoriy Valerianovich.

۳۲. «غلامحسین خان افضل الملک» معروف به «ادیب» و «ادیب کرمانی» (۱۲۷۹-۱۳۴۸ ه.ق.)، مورخ و سفرنامه نویس عصر قاجار که در حدود ۱۲۹۴ ه.ق. دبیر وزارت انطباعات شد و در آنجا بعضی از رساله ها و سفرنامه های خود را گردآوری کرد. برخی آثار وی عبارتند از: افضل التواریخ، تاریخ صدور قاجاریه، ظفرنامه عضدی و سفر مازندران و وقایع مشروطه (رکن الاسفاز).

۳۳. «ویپرت فون بلوشر» (Wipert von Blücher) نماینده دولت آلمان در دوره رضاشاه در ایران.

۳۴. «مراد سوم» (حک: ۱۰۰۳-۹۸۲ ه.ق.)، دوازدهمین سلطان امپراتوری عثمانی. وی پس از ۲۱ سال سلطنت در اثر ابتلا به بیماری فلج عضلات درگذشت. باتوجه به تاریخ ضرب سکه، به نظر می رسد این سکه مربوط به یک سال پیش از به سلطنت رسیدن وی بوده است.

۳۵. امروزه روستایی به نام «کلاگرسرا» در محدوده بابلسر و فریدونکنار وجود ندارد. در دهستان فیروزجاه، از توابع بخش بندپی شرقی شهرستان بابل، حدود ۴۰ کیلومتر فاصله با منطقه مورد بحث، روستایی به این نام دارد؛ به نظر می رسد نویسنده خبر نشان را اشتباه درج کرده است.

۳۶. روستای باریک محله، در تقسیمات سیاسی امروزی از توابع دهستان دابوی جنوبی بخش دابودشت شهرستان آمل است.

## کتابنامه

- ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد بن حسن، (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان. جلد اول، به تصحیح: عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس.

- اعتضاد السلطنه، (۱۳۹۰). «سفرنامه اعتضاد السلطنه به لاریجان»، سفرنامه های عصر ناصرالدین شاه. به کوشش: مصطفی نوری، تهران: نشر البرز، صص: ۳۶۰-۳۱۷.

- اعتضاد السلطنه، محمد حسن بن علی، (۱۳۷۴). «جغرافیا و تاریخ دره لار». به کوشش: میرهاشم محدث. در قلمرو مازندران (۳)، به کوشش: حسین صمدی، تهران: نشر حاجی طلایی، صص: ۱۶۰-۱۴۵.

- اعتضاد السلطنه، محمد حسن بن علی، (۱۳۷۷). روزنامه خاطرات اعتضاد السلطنه: وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری: مربوط به سال های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری. با مقدمه و فهرس: ایرج افشار، تهران: نشر امیرکبیر.

- افضل‌الملک، غلامحسین، (۱۳۷۳). سفر مازندران و وقایع مشروطه (رکن الاسفار). به کوشش: حسین صمدی، قائم‌شهر: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر.
- بلوشر، وپیرت فون، (۱۳۶۹). سفرنامه بلوشر (گردش روزگار در ایران). ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- بهرامی، مهدی، (۱۳۲۳). «آثار باستان: ظروف سیمین ساسانی در موزه ملی طهران». یادگار، شماره ۳، صص: ۳۲-۴۲.
- بوسایلی، ماریو؛ و شرآتو، امبرتو، (۱۳۷۶). هنر پارتنی و ساسانی. ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر مولی.
- پرادا، ایدت، (۱۳۷۳). هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام). با همکاری رابرت دایسون و کمک‌های چارلز ویلکینسون، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- حاکمی، علی، (۱۳۴۴). «بشقاب نقره منحصر به فرد ساسانی مکشوف در ساری». گزارش‌های باستان‌شناسی، شماره ۳، صص: ۳۶۴-۳۲۹.
- حصوری، علی، (۱۳۶۹). «نظری درباره مقاله مازندران در دوران ساسانی». باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۷، شهریور، صص: ۶۶-۶۴.
- خیام، عمر بن ابراهیم، (۱۳۸۰). نوروزنامه. به کوشش: مجتبی مینوی، تهران: نشر اساطیر.
- رابینو، یاسنت لویی، (۱۳۶۵). مازندران و استرآباد. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- روزنامه کوشش، شماره ۱۴۰، ۴ مرداد ۱۳۰۷، ص ۱ و ۲.
- روزنامه کوشش، شماره ۱۴۴، ۹ مرداد ۱۳۰۷، ص ۱ و ۲.
- روزنامه کوشش، شماره ۱۵۱، ۱۰ خرداد ۱۳۱۰، ص ۲.
- روزنامه کوشش، شماره ۱۶۶، ۷ مرداد ۱۳۱۸، ص ۲.
- روزنامه کوشش، شماره ۱۸۱، شهریور ۱۳۱۲، ص ۲.
- روزنامه کوشش، شماره ۲۵۴، ۱۸ آبان ۱۳۱۶، ص ۱ و ۲.
- روزنامه کوشش، شماره ۴۰، ۸ اسفند ۱۳۰۹، ص ۱.
- روزنامه کوشش، شماره ۵۸، ۱ فروردین ۱۳۱۰، ص ۲ و ۳.
- روزنامه کوشش، شماره ۶۷، ۱۲ فروردین ۱۳۱۷، ص ۲.
- سامی، علی، (۱۳۴۴). تمدن ساسانی. شیراز: چاپخانه موسوی.
- ستوده، منوچهر، (۱۳۵۵). از آستارا تا استرآباد. جلد سوم، تهران: نشر انجمن آثار ملی.
- ستوده، منوچهر، (۱۳۷۵). از آستارا تا استرآباد. جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: نشر آگاه.
- سند شماره ۲۹۳/۱۳۱۳، «کشف دفینه در زیر منبر مسجد آدینه جواهرده شهسوار». محفوظ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سند شماره ۲۹۳/۱۳۲۴، «کشف دفینه در شاهی مازندران». محفوظ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سند شماره ۲۹۳/۱۳۵۸، «کشف و سرقت دفینه در یکی از روستاهای بابل مازندران». محفوظ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سند شماره ۲۹۳/۶۸۵۸۴، «گزارش‌ها و مکاتبات در خصوص دفینه و اشیاء با ارزش قدیمی». محفوظ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- شواری، احسان، (زیر چاپ). «باستان‌شناسی دوره ساسانی در مازندران (۲۲۴-۶۵۱ م.)». دانشنامه تبرستان و مازندران، زیر نظر: جهانگیر نصری اشرفی. جلد ۲، تهران: نشر نی، صص: ۶۸۸-۶۸۱.



- صمدی، حبیب الله، (۱۳۳۴). «گنجینه کلاردشت». گزارش های باستان شناسی، انتشارات مرکز باستان شناسی ایران، شماره ۳، صص: ۱۱۵-۱۳۶.
- طاهری شهاب، سیدمحمد، (۱۳۴۴). «سه ظرف تاریخی مکشوف در روستای کنیم مازندران (ساری فروردین-ماه ۱۳۴۴)». وحید، شماره ۱۷، صص: ۲۸-۳۲.
- طاهری شهاب، سیدمحمد، (۱۳۸۱). تاریخ ادبیات مازندران. جلد اول. تصحیح و پژوهش: زین العابدین درگاهی، تهران: نشر رسانش.
- طاهری شهاب، سیدمحمد، (۱۳۹۰). «نمونه هایی از مسکوکات ضرب شده در طبرستان». به کوشش: سیدمحمد آل داوود، پیام بهارستان، دوره ۲، سال ۴، شماره ۱۳. صص: ۸۴۰-۸۴۳.
- فووریه، ژوانس، (۱۳۸۵). سه سال در دربار ایران: خاطرات دکتر فووریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار. ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم.
- گذار، یدا، (۱۳۶۵). «تنگ سیمین متعلق به عهد ساسانیان». آثار ایران، به کوشش: آندره گذار، یدا گذار و ماکسیم سیرو. ترجمه ابوالحسن سرومقدم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، صص: ۲۶۱-۲۸۲.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۵۰). هنر ایران در دوران پارت و ساسانی. ترجمه بهرام فره وشی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مرعشی، میرتیمور، (۱۳۶۴). تاریخ خاندان مرعشی. به تصحیح: منوچهر ستوده، تهران: نشر اطلاعات.
- مرعشی، میرسیدظهورالدین، (۱۳۴۵). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. به کوشش: محمدحسین تسبیحی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- مکنزی، چارلز فرانسیس، (۱۳۵۹). سفرنامه شمال. ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: نشر گستره.
- ملک شه میرزادی، صادق، (۱۳۶۵). «اشاره ای مختصر بر تحول باستان شناسی در ایران». اثر، شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴، صص: ۱۶۰-۱۳۳.
- ملک شه میرزادی، صادق، (۱۳۶۶). «مروری بر تاریخچه مطالعات باستان شناسی در ایران». باستان شناسی و تاریخ، سال ۱، شماره ۲، بهار و تابستان، صص: ۷۳-۵۷.
- ملکزاده بیانی، ملکه، (۱۳۳۸)، «تحقیق درباره ۱۲۹ سکه ساسانی». گزارش های باستان شناسی. شماره ۳ و ۴، صص: ۳۶-۲۷.
- ملگونف، گریگوری ولریانوویچ (۱۳۷۶). کرانه های جنوبی دریای خزر. ترجمه امیرهوشنگ امینی، تهران: نشر کتاب سرا.
- مهجوری، اسمعیل، (۱۳۴۵). تاریخ مازندران. جلد دوم، ساری: چاپ اثر.
- ناصرالدین شاه قاجار، (۱۳۹۰ الف). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه (از محرم تا شعبان ۱۳۰۶ هجری قمری). به کوشش: عبدالحسین نوایی و الهام ملک زاده، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ناصرالدین شاه قاجار، (۱۳۹۰ ب). «سفرنامه ناصرالدین شاه (۱۲۸۳-۱۲۸۲ ق)». نامه مازندران: سفرنامه های عصر ناصرالدین شاه، به کوشش: مصطفی نوری، تهران: نشر البرز، صص: ۲۱۰-۱۰۱.
- نوروززاده چگینی، ناصر، (۱۳۶۶). «مازندران در دوران ساسانی (۱)». باستان شناسی و تاریخ، سال ۲. شماره ۱. پاییز و زمستان، صص: ۴۹-۴۳.
- نوروززاده چگینی، ناصر، (۱۳۶۷). «مازندران در دوران ساسانی (۲)». باستان شناسی و تاریخ، سال ۲، شماره ۲، بهار و تابستان، صص: ۲۲-۱۷.
- نوری، مصطفی، (۱۳۹۰). سفرنامه های عصر ناصرالدین شاه. به کوشش: مصطفی نوری، تهران: نشر البرز.

- واندنبرگ، لوئی، (۱۳۴۵). باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام، تهران: نشر دانشگاه تهران.

- هارپر، پ، (۱۳۸۹). «ظروف نقره‌ای ساسانی: شکل‌گیری و مطالعه مجموعه‌های موزه‌ای کهن و بررسی آن‌ها». بین‌النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی، ویراسته جان کرتیس، ترجمه زهرا باستی، تهران: نشر سمت.

- Al-Khamis, U., (1998). "The Iconography of Early Islamic Bronze Ewer Reexamined". *Muqarnas* 15, Pp. 9-19.

- Azarpay, G. & Henning, W. B., (1967). "A Hunting Scene on an Inscribed Sassanian Silver Vessel". *Iranica Antiqua*, Vol. VII, Pp. 146-147.

- Curtis, J. & Simpson, J., (2005). *The world of Achaemenid Persian*. London.

- Dalton O. M., (1964). *The Treasure of the Oxus with Other Examples of Early Oriental Metal-work*. London.

- Negahban, E. (1964). "A Brief Report on the Excavations at Marlik Tepe and Pileh Qaleh". *IRAN* 2, Pp. 13-19.

- Samadi, H., (1959A). *Les decouvertes fortuites Klardasht, Garmabak, Emam et Tomadjan (Mazanderan et Guilan)*. Teheran: Bank meli Iran.

- Samadi, H., (1959B). "Les découvertes fortuites". *Arts Asiatiques*, Vol. 6, No. 3. Pp. 175-194.

- Strong, D. E., (1979). *Greek and Roman Gold and Silver Plate*. 2<sup>nd</sup> edn, London and New York.

- Von Bothmer, D. F., (1961). *Ancient Art from New York Private Collections*. Catalogue of an Exhibition held at the Metropolitan Museum of Art Dec. 17, 1959, Feb. 28, New York.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی